خراسان روزنامه صبح ایران
پنج شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۵ . ۱۵ ربیع الاول ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۲۴

## بیل گیتس: ترامپ می تواند همانند «کندی» آمریکا را اداره کند

مؤسس شرکت مایکروسافت با بیان اینکه «دونالد ترامپ» می تواند همانند جان اف. کندی کشور را اداره کند، گفت: دولت ترامپ می تواند از طریق ابتکار و نوآوری، کشور را هدایت و مردم را متحد سازد. گیتس که عنوان ثروتمندترین فرد را در جهان دارد، اظهار داشت: همان گونه که کندی حرف های تازه ای مانند مأموریت های فضایی و رساندن آمریکا به ورای آنچه قرار داشت، بیان کرد، در این فضای پرانرژی، پیام های خوش بینانه ای از دولت ترامپ می شنود.

یادداشت

دکتر علی محمدزاده
international@khorasannews.com

## فشار ترامپ بر چین؛ مقطعی یا همیشگی؟

تماس تلفنی جمعه گذشته میان دونالد ترامپ و «تسای اینگ‌ون»، رئیس جمهوری تایوان یک بار دیگر اثبات کرد که ترامپ غیر قابل پیش بینی است. اما چرا ترامپ اکنون این گونه به چین می تازد؟ اگر ما ترامپ را یک سیاستمدار ندانیم که تجربه سیاست خارجی و کنشگری سیاسی حداقل در حوزه داخلی آمریکا را ندارد، اما ترامپ یک سرمایه‌دار، تاجر و یک کنشگر اقتصادی به تمام معنا است. گذشته ثابت کرده که ترامپ در این حوزه بسیار موفق عمل کرده و اساساً این بعد ترامپ نقطه قوت او است. اگر به یاد داشته باشیم، در زمان رقابت های درون حزبی، هم نشانه های مخالفت ترامپ با سیاست های آمریکا در قبال چین دیده می شد. ترامپ جمله‌ای در زمان انتخابات دارد که می گوید: «چین آمریکا را چپاول کرده است». چرا او این حرف را می زند؟ علت این است که خود ترامپ در حوزه اقتصادی صاحب‌نظر است و دارای تجربه است و در حوزه تجاری به این جمع‌بندی رسیده که چینی ها بر سر آمریکایی ها کلاه گذاشته‌اند. در دریای چین جنوبی در شرق، آمریکایی ها یک سری متحدان سنتی دارند که می‌توان از میان آن‌ها به ژاپن، کره جنوبی، حتی فیلیپین و غیره اشاره کرد که آمریکا با آن‌ها به‌نوعی همکاری های امنیتی دارد. ترامپ می خواهد خود را میان این کشورها مطرح کند زیرا از چین دل خوشی ندارد؛ این در حالی است که چین دریای چین جنوبی را محدوده ارضی خود می داند و اجازه نمی دهد که آمریکا در آن قدرت‌نمایی کند. پس می‌توان درد ترامپ کاسب کار را در سیاست خارجی‌اش با چین، از نوع تجاری دانست. با توجه به اینکه ترامپ هنوز ریاست جمهوری را به دست نگرفته است، بنابراین، در بهترین حالت، می‌توانیم بگوییم که سیاست آمریکا از منظر ترامپ در قبال چین هنوز ابهام دارد. باید منتظر آینده ماند و تاکتیک های ترامپی را رصد کرد. اگر از منظر ساختار-کارگزاری به تقابل ترامپ با چین نگاه کنیم، اگر ترامپ را به‌عنوان یک کارگزار در نظر بگیریم که قرار است در بستر نظام سیاسی آمریکا کنشگری کند و در نقش و قامت ریاست جمهوری که از اختیارات نسبتاً زیادی هم برخوردار است ظاهر شود این گونه احساس می‌شود که با توجه به چند دلیل، رویکرد تخاصمی در قبال چین نمی‌تواند استراتژی دائمی ترامپ باشد. نخستین دلیل این است که کمترین تنشی میان آمریکا و چین، در منطقه شرق که سیاست آمریکا در سال های اخیر گرایش به حضور در آن منطقه داشته است، به نفع آمریکا نخواهد بود. اقتصاد آمریکا که مورد توجه ترامپ است در ارتباط با چین آسیب دیده است اما با توجه به حجم بالای مراودات تجاری میان این دو کشور، ترامپ نمی‌تواند وارد تنش دائمی با چین شود همچنین چینی ها با وجود اینکه دارای رشد اقتصادی بالایی هستند، اما واقعیت این است که رشد فنّاورانه آن‌ها به حد آمریکا نرسیده است و محتاج پشتیبانی آمریکا هستند از این منظر چین بازار هدف خوبی برای آمریکا است؛ ترامپ نمی‌تواند این رابطه را خراب کند. رابطه میان چین و آمریکا، از حساسیت منطقه‌ای روابط میان آن‌ها می کاهد و تخریب این رابطه، خطوط قرمز بیشتری را میان این دو قدرت تشدید خواهد کرد. افزون بر این، چین و روسیه از حامیان سنتی کره شمالی هستند؛ ترامپ می داند که چین تنها کشوری است که می‌تواند موضع گیری های پیونگ‌یانگ را تعدیل کند. یکی از ابعاد فشار ترامپ بر چین، وادار کردن چین بر کنترل متحدان خودش نظیر کره شمالی است. چینی ها خواهان یک کره شمالی برخوردار از سلاح هسته‌ای نیستند، اما از طرف دیگر چینی ها حاضر نیستند که رژیم متحد آن‌ها در کره شمالی سقوط کند و جای خود را به رژیمی مانند کره جنوبی بدهد. بنابراین، چینی ها از یک سو در برابر ترامپ مقاومت خواهند کرد، در عین اینکه حاضر هستند فشارهایی را به کره شمالی وارد کنند که دست از برنامه‌های نظامی هسته‌ای خود بردارد ولی از طرف دیگر متحد خود را از دست نخواهند داد اما به‌واسطه نیاز به بازارهای آمریکا، در برابر آن نرمش نشان خواهند داد.

روزنامه چینی گلوبال تایمز ترامپ را یک کودک ساده لوح و بی تجربه خواند

### ترامپ به دنبال تکرار "استراتژی نیکسون" است

# از دشمنی با پکن تا دوستی با مسکو

دکتر علیرضا ضاحواه
international@khorasannews.com

سیاستی که ترامپ در قبال روسیه و چین در پیش گرفته است، سیاست قدیم انگلیسی تفرقه بینداز و حکومت کن است. ترامپ از یک سو تلاش می کند با نشان دادن علامت های مثبت به مسکو، روابط کشورش با روسیه را ترمیم کند و از سوی دیگر با تحریک پکن تلاش می کند تا این کشور را تحت فشار قرار دهد. اما نتیجه این همگرایی جدید با مسکو و اگرایی از پکن چه خواهد بود. روزنامه تلگراف در این رابطه می نویسد: دستور کار اقتصادی ترامپ که یکی از عوامل پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری نیز محسوب می شد، مستقیماً چین را مورد تهدید قرار می دهد. ترامپ در طول فعالیت های انتخاباتی خود همواره وعده داد که پس از راهیابی به کاخ سفید اقدامات سریعی را در راستای مقابله با سیاست های ناعادلانه چین در زمینه تجارت و دستکاری در نرخ ارز صورت خواهد داد.

■ **تغییر سیاست در خاور دور**

در زمینه مسائل امنیتی نیز برخی معتقدند، این که ترامپ از کشورهایی همچون ژاپن و کره جنوبی خواسته تا بخش اعظمی از هزینه های دفاعی خود را تقبل کنند نشان از آمادگی آمریکا برای ترک اتحادهای به وجود آمده در منطقه شرق آسیا دارد. این اقدام آمریکا فضای مساعدی را برای چین به وجود خواهد آورد تا نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. اما به نظر می رسد شعار ترامپ مبنی بر بازگرداندن آمریکا به دوران اوج خود بیشتر به برتری نظامی بلامنازع این کشور متمرکز باشد تا ترک تعهدات دیرینه این کشور در قبال سایر متحدانش. ترامپ همواره در سخنرانی ها و اظهارات خود در مورد ظهور چین و افزایش قدرت این کشور ابراز نگرانی کرده است. به عنوان مثال، وی در یکی از سخنرانی های خود در ماه ژوئن سال ۲۰۱۵ نسبت به افزایش قدرت نظامی چین هشدار داد و اعلام کرد که قدرت نظامی این کشور به مرحله بسیار ترسناکی رسیده است. وی در ادامه اظهارات خود در این سخنرانی گفت: "یکی از مسائل و مشکلات کنونی ما گروه تروریستی داعش است اما مسئله بزرگتری نیز در این میان وجود دارد و آن چین است." تماس تلفنی اخیر ترامپ با رهبر تایوان موجب شده تا روابط میان آمریکا و چین حتی پیش از ورود ترامپ به کاخ سفید صدمه دیده و رو به وخامت رود.

■ **رویکرد دوستانه به مسکو**

اما رویکرد آمریکا در قبال روسیه بسیار متفاوت است. اظهارات ترامپ در خصوص پوتین و سیاست های وی بسیار مشخص‌تر و مطلوب‌تر از اظهار نظرهای رئیس جمهوری منتخب آمریکا در قبال دیگر کشورها است. به عنوان مثال وی در موضوع هک های گسترده در آمریکا روسیه را مقصر ندانسته و این موضوع را به کل رد کرده است. بنابراین به نظر می رسد که دولت ترامپ رویکرد سختگیرانه‌ای را در قبال چین و مواضع نرمتری را در قبال روسیه در پیش بگیرد. می توان منطق به کار رفته در هر کدام از این رویکردها را مورد بحث قرار داد اما ترکیب این دو رویکرد نوعی رابطه سه گانه را بین این سه کشور ایجاد خواهد کرد که نتیجه آن بدون شک به ضرر آمریکا خواهد بود.

■ **تاریخ تکرار نمی شود**

تماس تلفنی اخیر میان دونالد ترامپ، رئیس جمهوری منتخب ایالات متحده آمریکا و «تسای اینگ‌ون»، رئیس جمهوری تایوان یک بار دیگر اثبات کرد که ترامپ غیر قابل پیش بینی است. رئیس جمهوری جدید آمریکا فاقد تجربه لازم در زمینه دولت داری و امور نظامی است و مواضع و رویکردهای وی در زمینه سیاست خارجی با رویکردهای حزب جمهوری خواه آمریکا تفاوت و فاصله بسیاری دارد. بدون شک ترامپ در زمینه سیاست خارجی با چالش های بی سابقه ای روبه رو خواهد بود اما جدی‌تر از این چالش ها، فقدان دیدگاه استراتژیک مشخص و یکپارچه برای هدایت سیاست خارجی آمریکا در مسیری متفاوت است. رویکرد و مواضع ترامپ در خصوص روسیه و چین به شدت نگران کننده است و نشان از عدم انسجام در سیاست خارجی ترامپ دارد. اگر ترامپ در عمل نیز به شعارهای انتخاباتی خود پایبند بماند، بدون شک موجب ایجاد اتحادی بین این دو کشور قدرتمند جهان خواهد شد. زمانی «ریچارد نیکسون»، رئیس جمهوری پیشین آمریکا از جدایی چین و شوروی بهره برداری کرد و باعث تضعیف و در نهایت شکست بلوک شرق شد اما بعید است که این اتفاق دوباره تکرار شود. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه اخیرا با تاکید بر روابط استراتژیک میان پکن و مسکو عنوان داشته است: روابط روسیه و چین کاملا استراتژیک و ممتاز است. مواضع مشترک و مشابه در مسائل مهم سیاسی جهان و دیدگاه های یکسان روسیه و چین، باعث به وجود آمدن خط مشی مشترک بین المللی شده است.

### عربستان از جنگ سوریه خسته شده است

# آغاز تغییر مواضع ریاض

آزاد سازی حلب تمام معادلات در سوریه را بهم ریخته است. دیگر نه ترک ها شانسی برای تحقق جاه طلبی هایشان در کشور همسایه دارند و نه قطری ها به ایجاد یک دولت موازی در حلب امید دارند. شکست تروریست ها علاوه بر پایان دولت سازی معارضه سوری، باعث تغییر رویکرد قدرت های خارجی حامی تروریست ها شده است. آنچه این روزها در کنار آه و ناله هواداران تروریست ها شنیده می شود، تغییر مواضع و چرخش ایشان در منطقه شامات است. شاید مهمترین این تغییر مواضع مربوط به ریاض باشد. در نشست کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در بحرین، ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان خواستار راه حل سیاسی برای بحران موجود در سوریه شد. این موضع با مواضع سابق عربستان که همواره از مقامات حاضر می خواست که به دنبال راه حلی با محوریت کنار رفتن بشار اسد، رئیس جمهور سوریه چه با قدرت نظامی چه راه حل سیاسی باشند، متفاوت است. سخنرانی ملک سلمان این بار با سخنان و مواضع مسئولان و مقامات عربستان که همواره از نیمه دوم سال ۲۰۱۲ بیان می کردند، تفاوت روشنی دارد. آیا این به معنای تغییر فوری مواضع عربستان نسبت به بحران سوریه است؟ احتمالا باید گفت بله.

■ **دلایل چرخش مواضع ریاض**

روزنامه البناء می نویسد: طبیعی یا حتی بدیهی است که عقب گرد عربستان سعودی از سیاست هایش نسبت به سوریه در پی تحولات و عوامل زیر پیش آمده باشد:

■ **سرمایه گذاری بی حاصل بر روی تروریست ها**

سرمایه گذاری در جنگ سوریه به دلیل ارسال سلاح و مهمات و ابزارهای جنگی دیگر برای تروریست ها بسیار سرسام آور بوده و این در حالی است که باید هزینه ارسال هزاران تروریست خارجی برای جنگ علیه کشور سوریه و متحدان آن، را نیز افزود، هزینه ای که نیازمند ده ها میلیارد و نه ده ها میلیون دلار است. اگر نیروهای مسلح در میدان جنگ پیشروی داشتند قابل توجیه بود که عربستان سعودی و قطر و کشورهای غربی به سرمایه گذاری روی آنها ادامه دهند، در آن صورت می توانستند امیدوار باشند که با تداوم سرمایه گذاری ها و پیشروی مخالفان مسلح حکومت سوریه سرنگون می شود. اما آن چه در میدان نبرد روی داده، از جمله پیروزی های بزرگ و سریع در حلب، علاوه بر دستاوردهای دیگر در جبهه های ریف دمشق که تقریبا از لوث تروریست ها پاک شده است و همچنین شکست های سنگینی که تروریست ها متحمل شده اند، همه اینها باعث می شود تا سرمایه گذاری روی جنگ در سوریه ضرری بی انتها باشد. در عین حال هر کشوری که بخواهد در جنگ سوریه درگیر شود نیز عربستان باید هزینه های آن را پرداخت کند که این هم بر هزینه های سرسام آور آن می افزاید. در نتیجه عربستان چاره ای ندید جز این که خط پایانی برای این وضعیت تعیین کند و بپرسد این وضعیت تا کی قرار است ادامه یابد.

■ **تنها ماندن ریاض در سوریه**

کشورهایی که وارد این جنگ شدند و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و در راس آنها عربستان سعودی آنها را تحت فشار گذاشتند تا درگیر جنگ سوریه شوند و برای این کار به آنها پول می دادند، در صدد بازنگری در سیاست های خود در قبال سوریه هستند. منظور مواضع دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و مواضع بارزترین نامزد راست فرانسه، فرانسوا فیون است. بدیهی است که در این عرصه بین المللی عربستان سعودی که آزادی عمل خود را متزلزل می بیند ناچار باشد در سیاست های خود در سوریه تجدید نظر کند، تا حداقل جلوی فرسایشی که از تامین هزینه های جنگ سوریه متحمل شده است را بگیرد.

■ **عدم توانایی جنگ در دو جبهه**

عربستان سعودی با هزینه سرسام آور جنگ در یمن دست به گریبان است، ارتش عربستان نزدیک به دو سال است که در یمن می جنگد، جنگ یمن هزینه سرسام آوری را به عربستان تحمیل کرده است. بسیار سخت است کشوری به اندازه عربستان در سایه کاهش مستمر قیمت نفت بتواند هزینه های دو جنگ را که تا کنون صدها میلیارد نه ده ها میلیارد بوده

است، متحمل شود. با توجه به این عوامل و حساب و کتاب ها منطقی و بدیهی است که عربستان سعودی از سیاست های خود در سوریه عقب بنشیند برای این که جنگ با سوریه بدون این که نتیجه ای در بر داشته باشد و چیزی از آن به دست آید تنها عامل فرسایش آن شده است.

### آیا ممکن است اتحادیه اروپا از هم بپاشد؟

# سال بد اروپا

**فادرانی**- سال ۲۰۱۶ برای اتحادیه اروپا سال بدی بود و در روزهای گذشته بدتر هم شده است. سال آینده ممکن است آنچه امروز تهدید جدی است به حقیقتی بازگشت ناپذیر بدل شود. ممکن است پروژه شصت ساله‌ای که می خواست سیاست یک قاره را دگرگون کند، به پایان خط برسد. بعضی از این سناریو می ترسند، بعضی دیگر به وجد می آیند. اما کمتر کسی می داند اگر این بنا فرو بریزد چه می شود. رأی ایتالیایی ها در همه‌پرسی، که مثل انگلیس، کار نخست‌وزیر را ساخت، نشانه دیگری است از پیشروی موج پوپولیستی علیه وضع و ساختار موجود. موجی که به نظر نمی رسد با کنار رفتن نخست‌وزیر هم آرام بگیرد. بعید نیست دیر یا زود (احتمالا سال ۲۰۱۸)، جنبش پنج ستاره که نیروی اصلی مخالف دولت ایتالیاست، با وعده همه‌پرسی برای کنار گذاشتن یورو- یا حتی برای خروج از اتحادیه اروپا- به قدرت برسد. اتحادیه اروپا قبلا هم استوار و باطراوت نبود. اقتصاد قاره همچنان لنگ می زند. بحران یورو مثل ضدقهرمان فیلم های ترسناک هر لحظه ممکن است از پشت یک دیوار بیرون بپرد و این تمام ماجرا نیست. بسیاری از اعضای اتحادیه- به‌ویژه پس از بحران اخیر پناهجویان- به دیگر ستون این پروژه شصت ساله، یعنی برداشته شدن مرزها، هم معترضند و این بادی است که سال آینده می تواند به یک توفان پوپولیستی دیگر بدل شود. نگرانی ها فقط به انگلیس و ایتالیا ختم نمی شود. این روزها از هلند هم ناقوس جدایی از اروپا به گوش می رسد. جایی که حزب آزادی به رهبری خیرت ویلدرز برای انتخابات سال آینده خیز برداشته و شاید حتی سودای نخست‌وزیری داشته باشد. ویلدرز طرفدار خروج هلند از اتحادیه اروپا است. اما مهمتر از همه اینها فرانسه است. تصور اغلب ناظران این است که انتخابات ریاست جمهوری فرانسه به دور دوم می کشد، بین مارین لوپن از جبهه ملی و فرانسوا فیون از راست میانه. لوپن با وعده همه‌پرسی برای عضویت اتحادیه اروپا وارد میدان شده است و فیون حامی پایان رؤیای اروپای فدرال است. ایتالیایی ها، فرانسوی ها و هلندی ها در یک سال آینده ستون های اتحادیه اروپا را خواهند لرزاند. قاعدتا در انتخابات هر سه کشور، سرنوشت اتحادیه اروپا از مهم‌ترین مسائل خواهد بود. موفقیت انکارناپذیر جریان های راست افراطی باعث می شود احزاب اصلی و میانه بعضی سیاست های پرطرفدار آن جریان ها را تکرار کنند. اگر ایتالیا یورو را کنار بگذارد، شوکی عظیم به مهم‌ترین پروژه اتحادیه اروپا وارد می شود. اما کلیت اتحادیه قاعدتا سرپا می ماند. اما بدون فرانسه و هلند و انگلیس چه؟ سال آینده آلمان ها هم پای صندوق رأی می روند. کسی تردید ندارد که آنگلا مرکل برای چهارمین دوره صدر اعظم خواهد شد. اما یک سال پیش همین موقع هم کسی تردید نداشت که دونالد ترامپ غیر ممکن است رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا شود. حزب راست افراطی "آلترناتیو برای آلمان" رقیب آسانی نیست و هر چند خروج از اتحادیه اروپا در سیاست های رسمی این حزب جا ندارد، اما برخی هواداران و نماینده هایش از این سیاست دفاع می کنند. مهمتر آنکه خواهان کنار گذاشتن یورو و بازگرداندن اختیار به کشورهاست. ممکن است در انتخابات بعدی مارین لوپن و خیرت ویلدرز در فرانسه و هلند به قدرت برسند. در تئوری، اتحادیه اروپا حتی بدون این سه قدرت بزرگ اقتصادی هم می تواند دوام بیاورد. اما تردیدی نیست که ماهیتش همین نخواهد ماند. گویی از یک ابرقدرت قاره‌ای رو به رشد به یک ارتش در حال عقب نشینی بدل شود. با این حال کسی شک ندارد که آلمان ستون خیمه اتحادیه اروپا است. هر گونه سناریویی که به پیروزی راست افراطی در آلمان بینجامد پایان اتحادیه هم در عمل و هم در نظر خواهد بود.

## آگهی انتخاب کارشناس

شرکت گاز استان خراسان رضوی در اجرای ماده ۹ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی نسبت به تصرف و تملک اراضی محل احداث ایستگاه های T.B.S شماره ۲، ۳ و ۴ بازنگری مشهد ( مطابق کروکی های ذیل) اقدام نموده است. لذا بدینوسیله از صاحبان حقوق احتمالی اراضی موصوف دعوت می گردد ، حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی با اسناد مثبته مالکیت جهت تعیین کارشناس منتخب (وفق ماده ۴ لایحه قانونی فوق الذکر) به آدرس مشهد، تقاطع بلوار خیام و ارشاد، شرکت گاز استان خراسان رضوی ، طبقه دوم امورحقوقی ، اتاق ۲۰۷ مراجعه نمایند. بدیهی است درصورت عدم مراجعه ظرف مهلت مقرر اقدام قانونی لازم بعمل خواهد آمد.

روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان رضوی

آ/۹۵۲۸۲۱۵۴

زمین درخواستی : ایستگاه TBS شماره ۲ بازنگری مشهد
ابعاد زمین ایستگاه : ۲۰*۱۰ متر

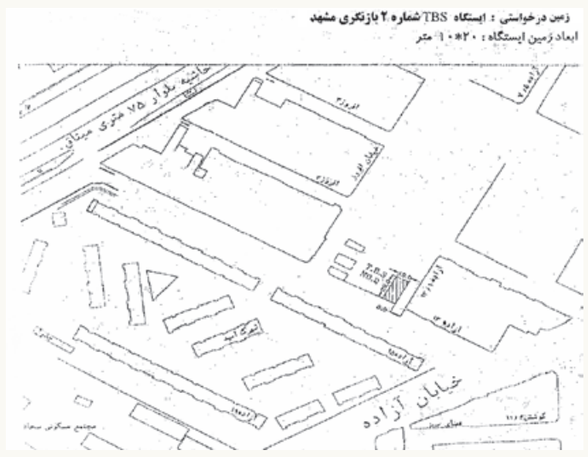

زمین درخواستی : ایستگاه TBS شماره ۳ بازنگری مشهد
ابعاد زمین ایستگاه : ۲۰*۱۰ متر

زمین درخواستی : ایستگاه TBS شماره ۴ بازنگری مشهد
ابعاد زمین ایستگاه : ۲۰*۱۰ متر